

جنبش دوم خرداد و ریشه‌ها



۱- از اصلی‌ترین ویژگی‌های دوم خرداد، قانون‌گرایی بود، با تأکید بر احیای قانون اساسی که ثمره انقلاب اسلامی است، و شعار ابتدایی و اصلی آقای خاتمی نیز اجرای قانون اساسی بود که از درون این شعار و هدف، اصلاحات اساسی نیز با توجه به اصول مطرح در قانون اساسی (لغو شکنجه، نفی تفتیش عقاید، آزادی‌های مصوب در قانون، استقلال، آزادی و عدالت) تحقق می‌یافت.

۲- پشتوانه قانون اساسی ایران، صدوبیست سال تفکر سازمان‌یافته و اندیشه منسجم است و این قانون با این پشتوانه عظیم، با اندیشه‌ها و تفکرات پر نوسان و متفرقی که حتی مراحل آکادمیک را هم طی نکرده‌اند، تفاوتی عمده دارد.

۳- آقای خاتمی محصول یک انشعاب، از بزرگ‌ترین تشکل ایران بود. انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز که در سال ۱۳۶۶ رخ داد و امام خمینی به‌عنوان مرجعی سنتی و رهبری قانونی، مردمی و کاریزما، از این انشعاب حمایت کردند، درحالی‌که تعدادی از زعمای و شخصیت‌های مطرح آن دوران، از جمله آقای هاشمی رفسنجانی، حجت‌الاسلام ری شهری، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مهدوی کنی و... با آن انشعاب مخالف بودند و به آن نپیوستند.^(۱) این انشعاب صرفاً تشکیلاتی نبود و بعداً دینولوژیک آن هم این بود که الف: چنانچه کسی بخواهد به رساله‌های عملیه موجود و احکام فردی که فقها به آن استناد می‌کنند، در برابر احکام اجتماعی قرآن اصالت دهد، اسلامش امریکایی است. ب: احکام اجتماعی قرآن بر احکام فردی رساله اولویت دارد. ج: حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، به قیومت صغار و پول‌های سرگردان محدود نمی‌شود؛ بلکه تمام زمینه‌ها و اموری را که پیامبر مجاز به عمل به آن بوده،

ولی فقیه هم می‌تواند این امور را تجربه کند و به کاربردن کلمه مطلقه نیز به معنای رهاشدن از محدودیت موارد می‌باشد، نه استبداد یا فوق قانون اساسی.

۴- حضور آقای خاتمی در عرصه سیاسی، ریشه‌هایی سیاسی داشت و گرچه در جایگاهی اجتماعی به بار نشست، ولی پدیده دوم خرداد صرفاً یک پدیده اجتماعی نبود. خاتمی محصول هموار کردن سنگلاخ‌ها و موانع قانون‌گرایی بود. یکی از زمینه‌های این حضور را می‌توان رساله ۱۲ صفحه‌ای دانست که توسط آیت‌الله منتظری به‌عنوان یک پشتوانه قرآنی و فقهی برای قانون‌گرایی در سال ۱۳۷۲ ارائه شد و بر سر آن هزینه‌های هنگفتی از جمله زندان پرداخته شد. این رساله و تحولات سال ۱۳۶۶ که منجر به انشعاب شد، توانست در برابر دیدگاه‌های سنتی مقاومت کند، در غیر این صورت کار بسیار مشکلی بود. همچنین نمی‌توان از نقش حرکت‌های قبل از دوم خرداد، مانند ظهور مدارس و نشریات خاص در حوزه علمیه، تدریس و آموزش قرآن و نهج البلاغه، دیدگاه اسلام راهنمای عمل و همچنین مقاومت‌هایی که صورت گرفت، در ظهور و شکل‌گیری این جنبش صرف نظر کرد.

۵- از دیگر ویژگی‌های دوم خرداد، پیروزی قانون اساسی بر آموزش‌های مصطلح فقهی حوزه بود؛ بدین معنا

عده‌ای دوم خرداد را یک جنبش اجتماعی با تکیه بر آرای میلیونی می‌دانند، که شکل‌گیری آن بر اساس حضور گسترده مردم در یک مقطع زمانی در پای صندوق‌های رأی بوده است و بزرگی و عظمت این جنبش را در تعداد شرکت‌کنندگان و تنوع آن می‌دانند؛ درحالی‌که یک پروسه زمانی طولانی طی شد تا این جنبش به ظهور برسد و به همین دلیل باید برای شناخت بهتر و دقیق‌تر آن به ریشه‌ها و عواملی که موجب شکل‌گیری آن شد، توجه شود.

تنهایی بررسی‌های آماری در مورد چنین رویدادهایی - گرچه اهمیت بسیار دارد - ولی نمی‌تواند بسنده باشد. در این بررسی و شناخت، تنها نمی‌توان به یک نقطه و محدوده زمانی تکیه کرد؛ بلکه باید بر عوامل شکل‌دهنده و حوادثی که منجر به ظهور این مقطع و رسیدن به این نقطه شد نیز پرداخت. در این نوشتار به برخی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این جنبش پرداخته شده است.

حضور آقای خاتمی در عرصه سیاسی، ریشه‌هایی سیاسی داشت و گرچه در جایگاهی اجتماعی به بار نشست، ولی پدیده دوم خرداد صرفاً یک پدیده اجتماعی نبود

که اجماع فقها و مدرسین، حجت الاسلام ناطق نوری را تأیید کردند، ولی مقام رهبری که به عنوان ولی فقیه می‌بایستی مؤید هویت فقهی و اجماع فقها باشد، براساس قانون اساسی، آرای مردم یعنی آقای خاتمی را تنفیذ نمودند و این نقطه عطف عظیم - یعنی پیروزی قانون اساسی بر اجماع فقها - واکنش برانگیز بود؛ اما شخصیت‌های مؤثر و بدنه جنبش اصلاحات به این مسئله توجه ننموده و خود را در برابر این واکنش آماده نکرده بودند، در عوض به جای برخورد با انحصار و راست افراطی، راست سنتی را عمده کرده و آماج حملات نمودند که بعدها اصلاح شد.

ع- ویژگی دیگر این جنبش، ادغام سه نظام (حوزوی، قانونی و فوق قانون) در یک نظام (قانون اساسی) بود، بدین معنا که برخی از مراجع نیز، برای اولین بار به خاتمی و جنبش دوم خرداد رأی دادند؛ گرچه این عده معتقد بودند که حلال و حرام خدا تا روز قیامت حلال و حرام است و نیازی به قانون اساسی نیست، ولی به دلیل ظلم فراقانونی که به آنها شده بود، از عدالت و قانون‌گرایی حمایت کردند.

بعد از دوم خرداد نیز مخالفان قانون‌گرایی، احترام به قانون و تن دادن به آن را پذیرفتند و برای اولین بار سه نظام مجزا و متفک از هم که شامل نظام حوزوی، نظام قانونی و نظام فوق قانون بود، در یک نظام که مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی بود، ادغام شد و این کار بزرگی در جهت رسیدن به وحدت جامعه و دوری از تنش بود. دوم خرداد اولین گام در این راستا بود و حصول نتیجه از آن نیازمند فرصتی استراتژیک (حداقل ۴ تا ۸ سال) بود، تا مردم شیرینی این وحدت را بچشند.

رسیدن به این نتیجه نیز نیازمند تحقق شعار اصلی دوم خرداد، یعنی قانون‌گرایی و احیای قانون اساسی بود که متأسفانه توسط هواداران تجدیدنظر در قانون اساسی به بوته فراموشی سپرده شد. متأسفانه برخی محافل که خط مشی فرهنگی داشتند و از دانش استراتژیک (مکانیزم، مرحله بندی، زمان بندی) برخوردار نبودند، متوجه این رشد تاریخی نشدند. این افراد به ارزش‌ها و اندیشه سازمان یافته قانون اساسی پی نبردند و چون دیدگاه‌های ایدئولوژیک آنها با این روند هماهنگ نبود، مرحله سوزی کردند و بارها و بارها شعار تجدیدنظر در قانون اساسی و یا شعارهای مشابه را مطرح کردند.

توجه کنیم که در یک مشارکت سی میلیونی، آقای خاتمی در پرتو شعار قانون‌گرایی، بیست میلیون رأی می‌آورد و تحقق چنین شعاری، دست کم یک دوره چهارساله یا دو دوره زمان لازم دارد؛ اما عده‌ای با وجود شعار قانون‌گرایی که رأی ملت را به خود جلب کرده، تجدیدنظر در قانون را مطرح کردند. این بدان می‌ماند که عده‌ای با شعاری حاکم شوند و بلافاصله بعد از حاکمیت، فرصت طلبانه آن شعار را تغییر دهند. این فلج کردن‌ها به جایی رسید که آقای خاتمی در سال ۱۳۷۹ در سخنرانی خود در دانشگاه تربیت مدرس، تجدیدنظر در قانون اساسی را به لحاظ استراتژیک (و نه آکادمیک) خیانت نامید، همین عدم پذیرش مدت زمان زیادی از وقت آقای خاتمی را صرف این کرد تا ثابت کند قانون‌گرایی از اصول اساسی و لازمه جامعه است.

اما اینها معتقد بودند که با شعار نفی قانون اساسی، آقای خاتمی می‌تواند از محافظه کاران امتیاز بگیرد؛ ولی این چانه زنی به ضرر آقای خاتمی و جنبش تمام شد. چرا که محافظه کاران معتقد بودند وقتی شخصیت‌های مطرح جنبش، قانون را قبول ندارند، نمی‌توان روی جریان آنها حساب کرد. و این در حالی بود که محافظه کاران، قانون‌گرایی را در عمل قبول نداشتند و سعی می‌کردند "ایزار - قانونی" را به جای آن بنشانند و دیدگاه‌های امام خمینی در تأیید قانون، فشار فلج کننده‌ای بر آنها می‌آورد. در مشارکت دوم خرداد - چه طرفداران آقای خاتمی

پشتوانه قانون اساسی
ایران، صدوبیست سال
تفکر سازمان یافته و
اندیشه منسجم است و
این قانون با این
پشتوانه عظیم، با
اندیشه‌ها و تفکرات
پر نوسان و متفرقی که
حتی مراحل آکادمیک را
هم طی نکرده‌اند،
تفاوتی عمده دارد

از دیگر ویژگی‌های دوم
خرداد، پیروزی
قانون اساسی بر
آموزش‌های مصطلح
فقهی حوزه بود؛ بدین
معنا که اجماع فقها و
مدرسین،

حجت الاسلام ناطق
نوری را تأیید کردند،
ولی مقام رهبری که
به عنوان ولی فقیه
می‌بایستی مؤید هویت
فقهی و اجماع فقها
باشد، براساس

قانون اساسی، آرای
مردم یعنی آقای خاتمی
را تنفیذ نمودند و این
نقطه عطف عظیم -
یعنی پیروزی قانون
اساسی بر اجماع فقها -
واکنش برانگیز بود

و چه مخالفان وی که در رأی گیری شرکت کردند - بر قانون گرایی تأکید کردند، اصولاً برای هر جنبش و طراح آن باید یک فرصت چندساله داد تا بتواند اندیشه و خطمشی آن جنبش را پیاده کند و این امر با نفی قانون اساسی از یک سو و شعار قانونی از سوی دیگر که جنبش از آن برخاسته است، امکان پذیر نیست. این کار موجب شده بود که محافظه کاران - که نگران از آینده و حتی مایوس از آن شده بودند - در فاز امنیتی - نظامی تقویت شوند.

چند ماه پیش از دوم خرداد، یکی از چهره های برجسته مشی فرهنگی بیان می کرد که پنجاه سال باید کار فرهنگی بکنیم؛ چرا که پس از انقلاب مشروطیت، بلافاصله محافظه کاران حاکم شدند، در نهضت ملی هم راست حاکم شد و پس از انقلاب هم مجدداً محافظه کاران حاکم شدند، از این رو باید کار فرهنگی کنیم تا دیگر راست حاکم نشود و این، تز و برنامه اصلی این جریان بود؛ اما ناگهان جامعه وارد مقطع خرداد ۱۳۷۶ شد و این گروه نیز از فاز فرهنگی وارد فاز استراتژیک شدند. به نظر می رسد این مشی و اندیشه در این زمان دست به یک سری مرحله سوزی و چپ روی زد. درست است که دوم خرداد به صورت یک جنبش اجتماعی به بار نشست و همه طبقات و اقشار در آن شرکت داشتند، ولی نباید از حرکت های سیاسی، تشکیلاتی و استراتژیک در کادر قانون اساسی، متانت ها و بازداشت ها و مقاومت هایی که جریان ها در این رابطه متحمل شدند، غافل شد. از دلایل اصلی حمایت گسترده از آن نیز حرکت هایی بود که در جهت احیای قانون اساسی صورت گرفت، از آنجا که قانون اساسی برآمده از انقلاب است، پرداختن جنبش به آن و برداشتن هر گام تدریجی در جهت احیای آن نیز کاری انقلابی به شمار می رود، اما برخی نام این حرکت را اصلاحات به معنای رفرم غربی بدون ترکش (هزینه) گذاشتند و همین تفکر و اندیشه موجب شد تا هیچ کس خود را برای پرداخت هزینه های سنگین آن آماده نکند و از سوی دیگر، مردمی هم که در دوم خرداد و بعد از آن رأی دادند و مشارکت کردند (انتخابات اصفهان، ریاست جمهوری، شوراها و مجلس شورای اسلامی و خرداد ۸۰) دارای یک توان قانونی و خواستار یک حرکت قانونی بودند، آنها نه به دنبال براندازی و نه توجیه گر وضع موجود بودند؛ بلکه در یک اقدام و جنبش قانونی با دادن رأی مخفی و بدون هیچ نشان و ردپایی و در عین حال با سماجت و پایداری حضور یافتند و این نشان می دهد که اگر جامعه وارد فاز امنیتی - نظامی شود و یا واکنش سهمگین رخ دهد و آنها مجبور به پرداختن هزینه های سنگین شوند، در نتیجه همان انسان ها دیگر "پای کار" نخواهند بود. این مسئله با توجه به تجربه های تاریخی از جمله تجربه دکتر مصدق در رفراندوم، قابل پیش بینی بود و بارها گفته و نوشته شده بود. مردم ایران در ۱۴ و ۱۹ مرداد ۱۳۳۲ به رفراندوم دکتر مصدق لیبیک گفته و رأی چشمگیری دادند اما طی ۱۰ روز که فضا نظامی، امنیتی و کودتایی شد، همان مردم گرچه کودتای ۲۸ مرداد را نپذیرفتند، ولی در برابر آن مقاومت چشمگیر خیابانی و فیزیکی از خود نشان ندادند. شاید به دلیل این تغییر فضا باشد که آقای علوی تبار به این نتیجه رسیده که مردم پس از رأی دادن به دنبال کار خودشان رفتند و دیگر در برابر فشارها مقاومتی نمی کنند. در واقع مشکل اصلی خاتمی در حرکتی که شروع کرد، عدم سازماندهی و بسیج مردمی بود و این مسئله به نوبه خود ناشی از کمی تجربه و دانش تشکیلاتی بود. تشکل هایی هم که در این دوره شکل گرفت، متأسفانه بر پایه تفکر درازمدت و آموزش متناسب و منسجمی نبود و استراتژی مرحله ای نیز نداشت و حتی این مسئله باعث شد که در جنبش اصلاحات، طیف هایی با عبور از "خاتمی"، "قانون" و "دین"، مراحلی را بسوزانند که به زبان جنبش و به سود راست افراطی تمام شود و بدین ترتیب، راه را برای ورود فشارها و یورش های متعدد از سوی جناح رقیب باز شد؛ در حالی که هیچ تشکلی برای حمایت و سازماندهی در برابر این فشارها وجود نداشت.

مشی فرهنگی نیز دانش و تجربه تشکیلاتی نداشت. اگر آقای خاتمی نتوانست بیست میلیون رأی را سازماندهی کند، آنها هم فاقد چنین توانی بودند، ضمن این که از این مشی، چنین کاری هم بر نمی آمد.

۷- ویژگی دیگر این جنبش آن بود که به لشکر عظیمی از جوانان و زنان که آمیدی به تغییرات و اصلاح نداشتند، حیاتی نو بخشید و آنها را در معادلات اجتماعی و سیاسی جامعه وارد کرد. "جنودا لم تروها"؛ لشکریانی که آنها را نمی دیدید.

۸- همچنین می توان گفت، دوم خرداد معلول متانت احزاب و گروه های سیاسی نیز بود و این روش با مشی مجاهدین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ که وارد فاز نظامی شدند و دست به اسلحه بردند، تفاوتی عمده داشت. این جریان ها در برابر ضعف های مقطعی و یا سیستماتیک به هیچ وجه وارد فاز نظامی نشدند و به اعمال خشونت آمیز دست نزدند و در صورت فشار و حذف، دست به انتشار نشریه زدند؛ از جمله این نشریات می توان به سلام، ایران فردا،

بعد از دوم خرداد
مخالفان قانون گرایی،
احترام به قانون و
تن دادن به آن را
پذیرفتند و برای
اولین بار سه نظام
مجزا و منفک از هم که
شامل نظام حوزوی،
نظام قانونی و نظام
فوق قانون بود، در
یک نظام که مبتنی بر
قانون اساسی
جمهوری اسلامی
بود، ادغام شد و این
کار بزرگی در جهت
رسیدن به وحدت
جامعه و دوری از
تنش بود. دوم خرداد
اولین گام در این
راستا بود و حصول
نتیجه از آن نیازمند
فرصتی استراتژیک
(حداقل ۴ تا ۸ سال)
بود، تا مردم شیرینی
این وحدت را بچشند

کیان، راه‌مجاهد و پیام‌هاجر و... اشاره کرد.

جنبش دوم‌خرداد و حرکتی که آقای خاتمی آغاز کرد، نقاط برجسته و ویژگی‌های مطلوبی داشت؛ از جمله این ویژگی‌ها شعار قانون‌اساسی و احیای آن، افشای قتل‌های زنجیره‌ای و اصلاح وزارت اطلاعات، تأکید بر لزوم مشارکت، مخالفت و مبارزه با انحصار و راسیت افراطی در عین پذیرش راست سنتی و مدرن بود. اما طرفداران عبور از خاتمی در درون جنبش، بسیاری از این شعارها را زیر سؤال بردند و در عین حال نتوانستند شعاری کارا تر و مقبول تر ارائه دهند و با زیر سؤال بردن شعارهای اولیه، جنبش را از اهداف خود دور کردند و این موجب سوء استفاده بیشتر جناح رقیب برای ضربه زدن به جنبش دوم‌خرداد شد و سبب شد بیست میلیون رأیی که به عنوان یک پشتوانه محکم در صندوق‌ها ریخته شد، مانند بیست میلیون تومان پولی که در بانک راكد مانده باشد، کارایی و ارزش خود را از دست بدهد و به سرمایه‌گذاری تبدیل نشود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- صحبت‌های حجت‌الاسلام‌ری شهری در گفت‌وگو با کیهان در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ۱۳۷۶.



پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

کتابسرای ناصر

● عرضه کتاب‌های قدیمی و کمیاب

● خرید کتابخانه‌های شخصی

● تهیه کتاب‌های درخواستی و تحویل در محل

نشانی: میدان انقلاب، کارگر جنوبی، اول خیابان وحید نظری، پاساژ نادر، کتابفروشی ناصر

تلفن: ۶۴۹۶۲۵۹ - ۰۹۱۱ ۲۷۶۵۲۰۰

مردمی که در
دوم‌خرداد و بعد از آن
رای دادند و مشارکت
کردند (انتخابات
اصفهان،
ریاست‌جمهوری،
شوراهای و مجلس
شورای اسلامی و
خرداد ۸۰) دارای یک
توان قانونی و
خواستار یک حرکت
قانونی بودند، آنها نه
به دنبال براندازی و
نه توجیه‌گر وضع
موجود بودند؛ بلکه
در یک اقدام و جنبش
قانونی با دادن رأی
مخفی و بدون هیچ
نشان و ردپایی و در
عین حال با سماجت و
بایداری حضور
یافتند و این نشان
می‌دهد که اگر جامعه
وارد فاز امنیتی -
نظامی شود و یا
واکنش سهمگین رخ
دهد و آنها مجبور به
برداشتن هزینه‌های
سنگین شوند،
در نتیجه همان
انسان‌ها دیگر "پای
کار" نخواهند بود